

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وير زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده
ویرجینیا - ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۳

بازگشت

آمدی از شهر دور و غریب
بعد سالیان سرد و سیاه
رخشنده تر از ماه نو
تابنده بودی پر از نور و ضیاء
نزد من اما
بهاران مرده بود
ماهی تپنده احساس
بی روح و نیمه جان
روی ساحل قلبم خفته بود

نخل امید خسته و زار
در نهایت شب بیکسیم
برگ و بر و پوست و ریشه اش
بیگمان خشکیده بود
تیره بود چشم پندارها
از غبار اشک غمگینه من
حاصل عمرم دگر

یک خزان سرد
و افسرده بود
تا برگرفتم شاخکی را از گلدان عشق
در مقدمت جایش دهم
گلدان بشسکسته بود، شاخه ها
هم خشکیده بود
دفتر سیاه سالهای عمر من
زیر بار صد غصه و آلوده رنج و کینه بود
آمدی، چه زمانها که بگذشته بود
چه خیالها در پیچ و خم مغز من خوابیده بود
فصل داغ درو ها بگذشته بود
موسم زرد برگریزان هم
بام ویران شده عمر من
آذینه خوشه خوشه زنگوله بود
مرمر صاف نگاهم
روی راهروهای پر عبور شهر
پایمال صد نگاه پر کینه بود
آمدی اما چه دیر آمدی، اما چه دیر
شهر آفتزده قلب من ویرانه بود

(ناھید "غزل" غنی زاده - 06-01-09)